



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Legislative Policy of Iran in the Field of Privacy

Nosratollah Saberi¹, Seyed Mohammad Hosseini^{*2}

Received:

7 Sept 2024

Edited:

22 Sept 2024

Accepted:

21 Oct 2024

Published:

3 Dec 2024

Keywords:

Freedom,
Individual Rights,
Iranian
Constitution,
Iranian
Legal System,
Privacy,
Privacy Violations.

Abstract

Background and Aim: Privacy is a fundamental human right recognized in many legal systems and holds special significance. It is evident that a right of such importance necessitates the provision and enforcement of appropriate legal safeguards.

Materials and Methods: This study is of descriptive - analytical one.

Ethical Considerations: Authenticity of the texts, honesty has been observed in this study.

Findings: In the Iranian legal system, privacy is addressed based on Islamic principles and statutory laws, including the Constitution, civil laws, and criminal laws. This article examines the status of privacy in the Iranian legal system, analyzing its concepts, foundations, and challenges. In Iranian statutory law, privacy is not explicitly protected, and the existing laws in this area are implicit, scattered, uncoordinated, and limited to specific aspects of privacy. The Iranian Constitution, particularly Articles 22 and 23, emphasizes the protection of private life, correspondence, and individual freedoms. Furthermore, criminal laws impose penalties and provide enforcement mechanisms for violations of privacy. However, challenges such as varying interpretations of privacy, conflicts between public security and individual rights, and advancements in modern technologies have made privacy a topic that requires further clarification and alignment within the Iranian legal system.

Conclusion: Therefore, the necessity of protecting privacy through the enactment of specific laws is strongly felt, as the Constitution only outlines general principles and leaves the details to ordinary laws. It is crucial to define the boundaries and dimensions of privacy and establish appropriate legal remedies. This article examines the strengths and weaknesses of the Iranian legal system in protecting privacy and offers recommendations for improving the current situation.

1 Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran & Basic lawyer of a judiciary.

 <https://orcid.org/0009-0003-8405-9965>

2* PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Saveh, Iran & Basic lawyer of a judiciary (Corresponding Author)

Email: m.hosseini9891@gmail.com Phone: +989125064239

Please cite this article as such: Saberi, & Hosseini, S.M. (2024). "Legislative Policy of Iran in the Field of Privacy". *Legal Research*, 1 (2): 17-39



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)



سیاست تقنینی ایران در حوزه حریم خصوصی

نصرت‌الله صابری^۱، سیدمحمد حسینی^۲

چکیده

حریم خصوصی از حقوق بنیادین بشری است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده و از اهمیتی ویژه برخوردار است. بدیهی است که حق با این میزان اهمیت، ضرورت پیش بینی و اعمال ضمانت اجرای حقوقی متناسب را طلب می‌کند. مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است. ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. یافته‌ها: در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی بر مبنای اصول اسلامی و قوانین موضوعه از جمله قانون اساسی، قوانین مدنی و جزایی مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله به بررسی جایگاه حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران می‌پردازد و مفاهیم، مبانی و چالش‌های موجود در این حوزه را تحلیل می‌کند. در قوانین موضوعه ایران، حریم خصوصی به صراحت مورد حمایت قرار نگرفته و وضع قوانین در حمایت از این حق به صورت تلویحی، پراکنده، نامنسجم و محدود به برخی جنبه‌های حریم خصوصی است. در قانون اساسی ایران، به ویژه اصول ۲۲ و ۲۳، به حفظ حرمت زندگی خصوصی، مکاتبات و آزادی‌های فردی تأکید شده است. همچنین، قوانین جزایی در رابطه با نقض حریم خصوصی، ضمانت‌های اجرایی و مجازات‌هایی تعیین کرده‌اند. با این حال، چالش‌هایی مانند برداشت‌های متفاوت از مفهوم حریم خصوصی، تعارض میان امنیت عمومی و حقوق فردی، و توسعه فناوری‌های نوین باعث شده است که این موضوع همچنان در نظام حقوقی ایران نیازمند تبیین و تطبیق بیشتری باشد. نتیجه: لزوم صیانت از حریم خصوصی با تدوین قانون خاص احساس می‌شود، چرا که قانون اساسی صرفاً به بیان کلیات پرداخته و بیان جزئیات را بر عهده قانون عادی نهاده است تا حدود و ثغور این حریم و ابعاد مختلف آن و همچنین تعیین ضمانت اجرای مطلوب مورد توجه واقع شود. این مقاله به بررسی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران در حمایت از حریم خصوصی پرداخته است و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه می‌دهد. کلمات کلیدی: آزادی، حریم خصوصی، حقوق فردی، قانون اساسی ایران، نظام حقوقی ایران، نقض حریم خصوصی.

مقاله پژوهشی

صفحات: ۱۷ - ۳۹

دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۷

ویرایش: ۱۴۰۳/۷/۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۳۰

انتشار: ۱۴۰۳/۹/۱۳

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۲. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول).

مقدمه

حریم خصوصی چارچوبی از فضای فکری، معنوی و مادی انسان است که هیچ کس حق تعرض به آن را ندارد. از این رو، می‌توان آن را یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته دانست. این حق تضمین کننده تمامیت مادی و معنوی انسان نیز بوده است و با استقلال و آزادی انسان‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد. لذا به عنوان یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر، می‌بایست هر جامعه یا به عبارتی هر دولتی در جهت تضمین رعایت این حق، اقدامات لازم از جمله وضع قوانین داخلی (قانون اساسی یا عادی) و پیش‌بینی ضمانت اجرایی لازم را صورت دهد. واژه حریم خصوصی ابتدا به ساکن، لفظی است که از لحاظ ریشه و مبانی با فطرت انسانی سر و کار دارد. انسان آزاد متولد شده و بدین لحاظ خواستار احترام به عقیده و عمل خویش است. انسان زاده افکار است و افکار خواهان آزادی است. این آزادی و چگونگی حفظ آن، همیشه دغدغه فیلسوفان، نظریه‌پردازان و سیاستمداران بوده است و از مسایل مناقشه برانگیز به شمار می‌آید. اگرچه بسیاری از دولت‌ها در قوانین داخلی خود یا از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی این حق را مورد حمایت قرار داده‌اند، اما به طور شایسته، از این حق حمایت همه‌جانبه نشده است؛ به نحوی که بعضاً دولت‌ها، منافع خود را بر جنبه حمایتی این حق ترجیح داده و حمایت از حریم خصوصی افراد را نادیده می‌گیرند و به عنوان حمایت از منافع جمعی و عمومی، حق حریم خصوصی را نقض می‌کنند که این نشانگر فقدان ضمانت اجرای مطلوب برای این حق است، چرا که عموماً دولت‌ها مرجع نظارتی مناسبی برای نظارت بر عدم رعایت این حق پیش‌بینی نکرده‌اند و همین امر دست دولت‌ها را در نقض حریم خصوصی باز می‌گذارد.

در حال حاضر، در نظام حقوقی ما قانون‌گذار تدابیر لازم به منظور حمایت از حریم خصوصی پیش‌بینی ننموده است و علیرغم تأکید قانون اساسی بر این مهم، تنها برخی از مصادیق حریم خصوصی در مواردی خاص در قوانین عادی، از جمله قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است که با توجه به اهمیت حمایت از حریم خصوصی کافی به نظر نمی‌رسد.

در کشور ما، حق حریم خصوصی از پیشینه چندان بر خوردار نیست و قدمت طرح آن در محافل حقوقی به نیم قرن نمی‌رسد و موضوعی بکر و تازه است؛ البته در تألیفاتی متعدد از اساتید حقوق، در کنار دیگر حقوق بشر به حریم خصوصی نیز اشاراتی گردیده و چند کتاب نیز در زمینه حریم خصوصی به طور اخص با زمینه‌های فقهی و حقوقی تاکنون به چاپ رسیده است، لکن هر یک از کتب و پایان‌نامه‌ها و مقالات موجود به یک قسمت از حریم خصوصی منحصر بوده و در هیچ‌کدام از آنها، تمامی حوزه‌های حریم خصوصی و تضامین و خلأهای قانونی حمایت از آن در نظام حقوقی ایران، به طور جامع و کامل مورد توجه قرار نگرفته است.

از این رو، در مقاله پیش رو با توجه به پیشینه‌های مورد اشاره سعی شده است از دوباره‌گویی پرهیز شود و خلأهای پژوهشی پیشین در کنار پاسخ به فرضیات ذهنی بررسی گردد و با بررسی مفاهیم و مبانی حریم خصوصی، چالش‌های قانونی صیانت از این حق در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود در مواجهه و تقابل حریم خصوصی با منافع عمومی تقدم با کدام یک است. در پایان نگارنده در نظر دارد با بررسی قوانین موضوعه و خلأهای قانونی موجود در این زمینه، راهکارهایی مناسب به منظور حمایت و صیانت از حریم خصوصی و رفع خلأهای قانونی ارائه دهد.

مفهوم حریم خصوصی

حق بر حریم خصوصی یا حق بر خلوت از بایسته‌های کرامت انسانی است که علاوه بر اخلاق، در حقوق نیز مورد توجه قرار گرفته است. تعاریفی مختلف برای این حق، نظیر خصوصی بودن، آزادی از محدودیت‌های حقوقی، استقلال انحصاری در تصمیم‌گیری، عدم جواز دخالت و نظارت دیگران بر آن، خفا یا محرمانه بودن آن و عدم جواز ورود به آن یا اطلاع از آن بدون اجازه بیان شده است.

با توجه به استعمال مکرر واژه حریم خصوصی در زبان محاوره و سیال بودن مفهوم آن، مفاهیم حریم خصوصی از منظر لغت، اصطلاح، حقوق و سیر تاریخی تبیین آن، ذیلاً در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از منظر واژه

واژه حریم به: بازداشتن از ...، بازداشت شده و حرام شده، که مس آن جایز نیست، چیزی که حرام باشد و دست بدان نتوان زد، معنی شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه).

از منظر اصطلاح

حریم خصوصی نه تنها در لغت‌نامه‌ها، بلکه در ترمینولوژی حقوقی نیز تعریف نشده و صرفاً به معنای حریم از نظر اموال و مالکیت اشاره شده است. این موضوع بیان‌کننده آن است که هنوز حریم خصوصی، به عنوان اصطلاحی حقوقی وارد ادبیات حقوقی ما نگردیده و به عبارتی، فرهنگ حقوقی نسبت به معنای این اصطلاح محجور است.

از منظر قانون

تاکنون در حقوق ایران، تعریفی از حریم خصوصی به عمل نیامده است. تنها تعریفی که می‌توان به آن اشاره نمود مندرجات ماده دوم "لایحه حریم خصوصی" است که چنین مقرر می‌دارد: «... حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا برآن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند ...».

از منظر تاریخ

با افزایش تفکر سیاسی مدرن در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی و حفظ جریان‌های لیبرال و فردگرا، حقوق و آزادی‌های فردی، به عنوان بخشی عمده از مطالبات شهروندان از سوی دولت‌ها، مهم‌ترین مشخصه یک دولت لیبرال را به خود اختصاص داد. با این حال، حق بر حریم خصوصی هنوز حقی مستقل به شمار نمی‌رفت تا اواخر قرن ۱۹، که افزایش تلاش‌ها در جهت شناسایی حق خلوت افراد به عنوان مفهوم حقوق مستقل مشاهده می‌شود (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۹) به عقیده صاحب‌نظران مسائل حقوقی، مقاله‌ای مشترک، که وارن و براندیز با عنوان "حق مصونیت حریم خصوصی" در سال ۱۸۹۰ منتشر کردند، اولین بحث جدی و صریح را در مورد حریم خصوصی افراد در چهارچوب قوانین حقوقی مطرح کرده است (هوسمن، ۱۳۷۵: ۴۶).

مظاهر حریم خصوصی

حریم خصوصی دارای ابعاد مختلف و جلوه‌های متفاوت است. لذا به منظور ارائه تعریفی عملیاتی و مشخص‌تر از حیطه حریم خصوصی، طرح اقسام حریم خصوصی ضروری می‌باشد. از این رو، حریم خصوصی را می‌توان به دو حوزه مجزا، اما مرتبط به یکدیگر (حریم مادی و حریم معنوی) تقسیم کرد:

حریم مادی یا فیزیکی

خانه و محل سکونت و کار از بارزترین جلوه‌های حریم خصوصی است. از دیرباز در فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری، منزل و سکونت‌گاه شخص احترامی ویژه داشته است. حمایت از این حوزه از حریم خصوصی در قوانین کشورها، در قالب پیش‌بینی جرم ورود غیرقانونی به منزل، محل سکونت دیگری تجلی یافته است. کمیته حقوق بشر در تفسیری موسع از خانه، آن را شامل محل کسب و پیشه شخص هم دانسته است (موالی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸).

- **جسمانی:** شاید این جنبه از خلوت قدیمی‌ترین جلوه شناخته شده حریم خصوصی است. در ادبیات دینی اولین دغدغه حضرت آدم و همسرش حوا پس از خوردن میوه ممنوعه، پوشاندن بدن است. حریم خصوصی بدنی به طرق گوناگون می‌تواند مورد تعرض قرار گیرد. برهنه کردن اجباری اشخاص در حضور دیگران و بازرسی‌های بدنی به انگیزه‌های گوناگون، مصداق مداخله در حریم خصوصی بدنی افراد است. حتی گونه‌هایی از نگاه به بدن فردی دیگر در شرایط خاص، می‌تواند مصداق تعرض به حریم خصوصی بدن قلمداد شود.

- **مکانی:** حق اولیه افراد در مصونیت از تعرض به منازل و اماکن و به طور کلی، کلیه مکان‌های سرپوشیده یا محصور است. منزل در لغت، به معنای جای فرود آمدن، خانه و سرای بود و مسکن، به معنای محل سکونی و خانه می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹: ذیل واژه). امنیت محل سکونت آحاد جامعه باید به نحو مقتضی تضمین گردد. از این رو، ممنوعیت هتک حرمت منزل و مسکن و مصونیت آن از تعرض، به صراحت در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی مورد توجه واقع شده است (آماده، ۱۳۹۲: ۹۷).

- **اموال:** احترام به حق مالکیت و اختیار مالک در اداره اموال خویش و نیز قاعده لاضرر در مباحث فقهی به این حق اشاره دارد. آنچه مسلم است هیچ چیزی نمی‌تواند اصل عدم جواز در حق افراد بر اموال خویش را نقض نماید، بلکه تنها در مواردی بر این اصل استثنا زده شده است. حمایت از این حق، علاوه بر مباحث فقهی در قوانین موضوعه نیز مورد اشاره واقع گردیده است.

حریم معنوی یا روانی

شناسایی حق بر حریم خصوصی روانی، پیوندی نزدیک با حق بر آزادی اندیشه و عقیده دارد. مداخله در حریم خصوصی می‌تواند در قالب تحمیل فکر و اندیشه خاص و تفتیش عقاید وی صورت گیرد؛ به ویژه تحمیل عقیده، الزام افراد به اقرار، اجبار آنان به گواهی دادن به مطالب خاص یا ادای سوگند را می‌توان از نمونه‌های نقض خلوت روانی قلمداد کرد. حریم خصوصی معنوی اشخاص در مقابل قوای حاکم آسیب‌پذیر است، زیرا حمایت قانونی از آن کم است. به همین دلیل، همیشه حریم خصوصی معنوی هدف مقامات حاکمه قرار می‌گیرد.

- **اطلاعات:** حق اولیه افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از تحصیل، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به ایشان است، مگر در موارد مصرح قانونی. فناوری‌های نوین، استفاده از هوش مصنوعی و گسترش کاربردهای آن امکان تعرض به این جنبه از حق بر حریم خصوصی را افزایش داده است.

- **ارتباطات:** مصون بودن مکاتبات شامل نامه‌های الکترونیکی، نمابر و نیز مکالمات تلفنی افراد، از مصادیق این نوع حق بر خلوت است. در کشور ایران، ماده ۱۶ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران، مصوب سوم آبان ۱۳۶۶، باز کردن، بازرسی، توقیف یا معدوم نمودن مراسلات و نامه‌های اشخاص یا افشا و آشکار کردن مندرجات و مطالب آنها بدون اجازه صاحبان آن را جرم دانسته است (انصاری، ۱۳۸۶: ۹۸-۱۰۵). استراق سمع و کنترل مکاتبات تلفنی نیز از موارد رایج نقض حق بر خلوت است، که تضمین‌های مناسب حقوقی برای پیشگیری از آن ضروری می‌باشد.

- **حیثیت اجتماعی:** پیشرفت‌های فناوری و امکان نظارت بر شهروندان در عموم، حق بر "خلوت در عموم" را هم مطرح نموده است. گسترش نظارت‌های دوربینی از طریق تلویزیون‌های مدار بسته، پرسش‌هایی در رابطه با کارآمدی

این شیوه از کنترل اجتماعی و هم درباره توجیه اخلاقی به کارگیری آنها مطرح کرده است. حق بر خلوت در عموم، در کشورهایی که نظارت‌های الکترونیکی و دوربینی رایج است، در معرض آسیبی بیشتر است.

نقش حاکمیت دولت و منافع عمومی در مواجهه با حریم خصوصی

در هر کشوری، سخن نهایی و آخرین را دولت می‌زند. تصمیم وی برتر از دیگران است و هیچ قاعده‌ای نمی‌تواند اراده حکومت را محدود کند. این سلطه نهایی، که منبع صلاحیت را در درون خود دارد، در اصطلاح "حاکمیت" نامیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۵-۵۷).

کشمکش بین آزادی فرد و قدرت دولت نمایان‌ترین صفت تاریخ روم و یونان و انگلستان است. این منازعه بین رعایا یا طبقه‌ای از رعایا از یک طرف و دولت از طرف دیگر بود. در آن زمان منظور از آزادی، حفظ حقوق رعایا در مقابل ستمگری حکمرانان آنان بود. نهایتاً کوشش آزادی‌خواهانه تنها آن بود که قدرت حکمرانان خود را محدود سازند (صناعی‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹۸-۱۹۹).

حاکمیت دولت و چگونگی تحدید قدرت آن

آزادی‌خواهان بر این باورند که حاکمیت از آن ملت است و دولت، به عنوان کارگزار و نماینده، از آن بهره می‌برد. بنابراین، قدرت دولت زمانی مشروع است که در جهت مصلحت ملت به کار رود و دولتی از این موهبت برخوردار می‌شود که منتخب ملت باشد. دولت‌های مذهبی نیز حاکمیت را از آن خداوند می‌دانند که از طریق وی به ملت واگذار شده است؛ چنان که در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است ...» (سبک‌بال و خادمی مجومرد، ۱۳۹۰: ۷۳).

برخی از نویسندگان واقع‌گرا مانند روسو^۱ نظریه "حاکمیت ملی" را خطرناک شمرده‌اند. دغدغه آنها در ایجاد قدرت بی‌انتهای دولت است، چرا که اگر دربردارنده اراده توده‌های مردم و در عین حال مستقل از آن باشد، چون دولت آن را بیان می‌کند، می‌تواند در پناه اصطلاح فریبنده "اراده ملی" از هرگونه انتقادی مصون بماند. در نتیجه، حکمرانان به آسانی می‌توانند اراده خود را زیر سرپوش اراده ملی بر دیگران تحمیل کنند (سبک‌بال و خادمی مجومرد، ۱۳۹۰: ۷۷).

دوگی^۲ استاد حقوق عمومی فرانسه، اعتقاد به وجود حاکمیت را خطرناک و زیان‌بار می‌شمرد و دولت را به اداره و اجرای خدمات عمومی مکلف می‌بیند و مبنا و حدود اختیار دولت را در همین "تکلیف" می‌داند. او می‌خواهد "دولت خدمتگزار" را جانشین "دولت حاکم" سازد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۰۶).

حکام همواره طالب قدرت و افراد همیشه مشتاق "آزادی" اند. نظم به تنهایی، میل به استبداد دارد و آزادی، به تنهایی، به هرج و مرج کشیده می‌شود. از این رو، باید مانع از این شد که اقتدارات مقامات عمومی به صورت افسار گسیخته مورد استفاده قرار گیرند (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۸ و ۲۹).

قدرت سیاسی ممکن است بعضی حقوق فردی را ممنوع یا محدود کند، ولی هرگز نمی‌تواند آن حقوق را به کلی از بین برد. جلوه مشخص این فکر، فهرست حقوق مدنی فردی است که در قوانین اساسی درج می‌شود. در واقع، آزادی قانونی عملاً بیشتر عبارت از مندرجات همین‌گونه منشورها است. دولت ممکن است در آزادی فرد مداخله کند، ولی

1. Jean-Jacques Rousseau

2. Leon Duguit

ابتدا بایستی ثابت نماید که مجاز به چنین کاری است، اثبات این امر فقط ممکن است با رجوع به "قانون" صورت بگیرد (شیرزاد نظرلو، ۱۳۸۹: ۳۹).

منافع عمومی و ملاک برتری آن

مفهوم "منافع عمومی" مفهومی مبهم است. بعضی چنین می‌پندارند که منافع اکثریت عددی مردم، منافع عمومی است. مبنای این فکر از آن جاست که چون در حکومت‌های مردم‌سالاری رأی اکثریت بر اقلیت تحمیل می‌شود، در تعادل منافع نیز باید از این منافع پیروی کرد و نفع اقلیت را فدای نفع اکثریت نمود، لیکن این استدلال درست نیست، چرا که هدف این است که نفع و رأی همه ی مردم در محاسبه نفع‌گرایی مورد توجه باشد و اگر در انتخاب نمایندگان مردم یا رئیس جمهور، ناچار چنین فرض می‌شود که رأی اکثریت رأی عموم است و باید اجرا شود، از این فرض اضطرابی نباید نتیجه گرفت که قاعده در ترجیح نفع اکثریت است. محاسبه نفع عمومی، محاسبه عددی نیست، بلکه محاسبه‌ای است اخلاقی. باید پذیرفت که ملاک، نفع برتر است نه نفع اکثریت (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۳۴-۱۳۶). مطالعه اجمالی نظریه‌های فلسفی نشان می‌دهند که برای تمیز مفاهیمی مانند "خدمت عمومی" و "نفع عمومی" معیاری قاطع وجود ندارد و آخرین راه حل این است که قانون معیار تمیز "خدمت عمومی" قرار گیرد، لیکن باید پذیرفت که قانون معیار رسمی و صوری است و احتمال دارد با واقعیت منطبق نباشد. مفهوم "خدمت عمومی" بیش از هر چیز یک مفهوم سیاسی است نه علمی، و نتیجه عملی رفتار دولت تعیین می‌کند که تا چه اندازه سیاست انتخاب شده با مصلحت واقعی منطبق است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۳۶-۱۳۹).

بررسی رویکرد نظام حقوقی ایران به موضوع حریم خصوصی

در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص و معین حمایت نشده است و حتی در مواردی خود قانون موجب نقض حریم خصوصی گردیده است. قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آزادی اطلاعات، قوانین مرتبط به ارتباطات پستی، تلفنی و قانون مطبوعات در زمره قوانینی هستند که گاه ضمنی و گاه صریحاً از برخی مصادیق حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده‌اند، اما این حمایت‌ها کافی و کارآمد نیستند. از حریم خصوصی افراد در قبال افشاگری‌های رسانه‌ای هیچ حمایتی صورت نگرفته است یا اگر حمایتی وجود دارد با توجه به در دسترس بودن انواع فناوری‌های قابل استفاده برای نقض حریم خصوصی، کافی و کارآمد نبوده است. در چنین وضعی ضرورت تدوین قانون حمایت از حریم خصوصی برای رفع خلأهای قانونی در این زمینه بیشتر احساس می‌شود (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۹۸، ۲۰۱ و ۲۰۲).

بنابراین، نمی‌توان به راحتی رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به حریم خصوصی را حمایتی دانست، چرا که نه تنها حمایت از حریم خصوصی صریح و کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه بسیاری از موارد نقض حریم خصوصی در قوانین ایران به چشم می‌آید.

صیانت از حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی مشروطه تا سال ۱۳۵۸ حیات داشت. پس از انقلاب ۵۷ با بازنگری به موجب فرمان رهبر انقلاب در تاریخ ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، قانون اساسی جدید تدوین گردید. فصل سوم قانون اساسی کنونی به حقوق ملت مربوط است. در این فصل، انواع حقوق مردم و آزادی‌های اجتماعی و حدود آن بیان شده است.

اصل بیست و دوم مقرر داشته است: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

ملاحظه می‌شود: الف - در این اصل شغل افراد از تعرض مصون دانسته شده است؛

ب - کلمه حقوق در این اصل، جای تفسیر و تعریف دارد. حق حریم خصوصی را هم می‌توان یکی از حقوق افراد در نظر گرفت.

در اصل بیست و سوم هم آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای، مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

این اصل نیز: الف - تفتیش عقاید را ممنوع کرده است؛

ب - کسی را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و پنجم نیز مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و ترساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

در این اصل: الف - آزادی ارتباطات صریحاً مورد توجه قرار گرفته است؛

ب - به وسایل ارتباطی جدید مثل ایمیل و ارتباط اینترنتی اشاره‌ای نشده است؛

پ - ممنوع بودن هرگونه تجسس، از توجه قانونگذاران به حریم خصوصی افراد حکایت دارد.

بر این اساس، کنترل مکالمات تلفنی افراد ممنوع است، مگر به حکم قانون و بر اساس ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری^۱، مواردی که موجب تجویز کنترل افراد باشد، مشخص نیست، لذا بهتر است مقنن مصادیق و تعداد جرایمی را که حین رسیدگی به آنها به دادگاه اختیار تجویز کنترل تلفنی افراد را دارد، در قانون مشخص کند (قهرمانی افشار، ۱۳۸۶: ۲۳ و ۲۴).

در اصول دیگر قانون اساسی نیز به صورت ضمنی و تلویحی به حریم خصوصی توجه شده است که می‌توان به اصل بیست و ششم^۲ به آزادی فعالیت گروه‌ها و احزاب و اقلیت‌های دینی و اصل سی و دوم^۳، مصونیت دستگیری و بازداشت خودسرانه افراد، اصل سی و هفتم^۴ به اصل برائت و اصل سی و هشتم^۵ به منع اعمال شکنجه و اصل سی و نهم^۶ به رعایت حرمت و حیثیت افراد محروم از آزادی پرداخته است، اشاره کرد.

۱. ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه در برابر مقام قضائی به هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، او می‌تواند از قوای انتظامی و در صورت ضرورت از نیروهای نظامی استفاده کند. این قوا مکلف به انجام دستور مقام قضائی هستند. در صورت عدم اجرای دستور، مستنکف به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌شود».

۲. اصل ۲۶ قانون اساسی: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

۳. اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

۴. اصل ۳۷ قانون اساسی: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۵. اصل ۳۸ قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

۶. اصل ۳۹ قانون اساسی: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

- سایر تضامین قانونی

قانون اساسی تصویب قوانین عادی را در حدود شرع و قانون بر عهده مجلس شورای اسلامی قرار داده است. اصل حاکمیت قانون اقتضا می‌کند تمام امور جامعه بر طبق قوانین و قواعد عادی کلی و عام باشد که بر اساس آن، همه مردم از حقوق و تکالیف یکسان برخوردار باشند و امور دولتی و حکومتی نیز از مجرای قانون اعمال گردد تا از این طریق، امنیت خاطر مردم تأمین شود و از خودسری و تجاوز جلوگیری به عمل آید. اصل هفتاد و یکم قانون اساسی در این خصوص مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

این اصل بیانگر صلاحیت عام مجلس در وضع قوانین است. صلاحیت عام قانونگذاری به تدابیر مجلس متکی است. کمیت و کیفیت قوانین در ارضای تمنیات و خواسته‌های مردم، نشان دهنده حدود و وسعت و شایستگی و لیاقت مجلس می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۳۱).

این شایستگی هنگامی ملموس می‌شود که این نهاد اساسی در درک خواسته‌های روز مردم و تدوین راه حل مناسب برای آنها، نهایت تلاش خود را داشته باشد و قوانینی مناسب در این راستا تقنین نماید، چرا که امروزه با پیشرفت فناوری‌های الکترونیکی، مخابراتی و رایانه‌ای حریم خصوصی اشخاص و محرمانگی از اهمیت صد چندان برخوردار شده است.

- ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی: در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی و بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد». این ماده با دایره شمول محدودی که دارد اختصاصاً منزل اشخاص را از ورود مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده ممنوع می‌نماید و ورود افراد مذکور را به اجازه و رضایت صاحب منزل منوط دانسته است، اما نباید صاحب منزل به مالک منزل تعبیر شود، زیرا هدف حفظ حریم خصوصی ساکنین منزل می‌باشد نه مراعات حال مالک منزل، که ممکن است در آن سکونت هم نداشته باشد، چون حریم خصوصی ساکنین منزل با سکونت آنها وجود یافته و این حریم مربوط به منزل است نه مالک آن. حکم مقرر در ماده ۵۸۰ بر مأمورین دولتی نظارت دارد. در این ماده، حریم خصوصی اشخاص در مقابل تهدیدات احتمالی مأمورین دولتی حفظ، و ضمانت اجرای کیفری نیز برای آن در نظر گرفته شده است. شرط نقض حریم خصوصی منزل در ماده ۵۸۰ قانون مجازات آن است که:

اولاً: ورود بدون ترتیب قانونی، که در اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی و مواد ۱۰۳ الی ۱۹۶ آیین دادرسی کیفری به طور کلی بیان گردیده است، صورت گرفته باشد. بنابراین، در ورود به منزل افراد مأمورین دولتی باید با مراعات ضوابط قانونی و صرفاً با مجوز و مراعات ترتیبات قانونی اقدام به ورود نمایند؛ البته ممکن است مأموران در اجرای دستورات آمر قانونی خود به ورود غیرقانونی به منزل اشخاص مجبور شوند که در این صورت، مسؤولیت نقض حریم خصوصی منزل متوجه آمر خواهد بود و ضمانت اجرای ورود غیرقانونی نیز در حق آمر اجرا خواهد شد.

در خصوص چگونگی ورود به حریم خصوصی، بخشنامه شماره ۱۳۸۱/۱۲/۱ - ۱۳۶۷۰/۷۸/۱ در خصوص چگونگی ورود به حریم خصوصی، بخشنامه شماره ۱۳۸۱/۱۲/۱ - ۱۳۶۷۰/۷۸/۱ قوه قضاییه اشعار می‌دارد:

«نظر به اصل بیست و سوم قانون اساسی و با لحاظ بخش آخر ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۷۸/۶/۲۸ که تنفیش منازل و امکان در غیر جرایم مشهود را توسط ضابطان مستلزم اجازه مقام قضایی دانسته است در مواردی که به موجب دلایل ظن قوی بوجود متهم یا کشف آلات و مدارک جرم در محل بازرسی منازل را ایجاب نماید نحوه اقدام باید بر اساس مقررات فصل سوم قانون اخیر صورت گیرد و از بازرسی در غیر موارد مهم و ضروری و نیز تفویض نمایندگی‌های مطلق و کلی اجتناب گردد. اجازه بازرسی و اعطای نمایندگی به ضابطان در مورد خاص هم باید پس از اعلام وقوع بزه باشد و در آن زمان و مکان بازرسی مشخصات نماینده و حدود و مأموریت او درج گردد تا در موقع مراجعه مأموران به محل مورد نیاز بازرسی در صورت مطالبه صاحب خانه یا متصرف آنجا بتوانند مدرک مثبت سمت نمایندگی و اقدام قانونی خود را ارائه دهند. تخلف از مدلول قوانین و اقدام خارج از ضوابط قضات موجب مسئولیت آنان می‌باشد و دادرسی انتظامی قضات متخلف را مورد پیگیری انتظامی قرار خواهد داد».

ملاحظه می‌گردد که در بخشنامه مذکور نیز مأمورین تفتیش و بازرسی منازل از خودسری و هر گونه اقدام غیرضروری که به نقض حریم خصوصی منازل منتهی می‌شود ممنوع می‌گردند و حتی قضات مربوط نیز در صورت تعدی از ضوابط قانونی مسئول شناخته شده‌اند.

ثانیاً: شرط دیگر نقض حریم خصوصی منزل توسط مأمورین دولتی در ماده ۵۸۰ آن است که ورود بدون اجازه صاحب منزل صورت گرفته باشد. بنابراین، هر گاه صاحب منزل اجازه ورود مأمورین را ندهد و درب را به روی آنها نگشاید ورود مأمورین بدون اجازه بوده و نقض حریم خصوصی منزل و به تبع آن مسئولیت مأمور دولتی را موجب است. بنابراین، حتی اگر در منزل مسکونی صاحب خانه حضور نداشته باشد ورود به آن باز هم باید با اطلاع و اجازه او صورت گیرد.

ثالثاً: چنانچه ورود مأمورین بدون رضایت صاحب منزل انجام گیرد این موضوع نیز از مصادیق نقض حریم خصوصی است. بنابراین، چنانچه صاحب خانه به ورود مأمورین به منزل خود رضایت ندهد از مصادیق ورود به عنف محسوب، و اجبار مأمورین در ورود به منزل مسئولیت آنها را موجب خواهد شد.

- ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده): (جزای نقدی اصلاحی ۱۴۰۳/۳/۳۰): «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیرمواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از ۲۶۴,۰۰۰,۰۰۰ تا ۸۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد».

ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی هر چند به طور ناقص، اما در مقام حفاظت از حریم خصوصی مادی است و ماده ۵۸۲ همین قانون به برخی از مصادیق نقض حریم خصوصی معنوی اشاره دارد. ماده ۵۸۲ تقریباً با عبارات مشابه به اصل بیست و پنجم قانون اساسی بیان گردیده است؛ با این تفاوت که اولاً: مشمول حکم در اصل ۲۵ نام برده نشده، اما در ماده ۵۸۲ صراحتاً به مستخدمین و مأمورین دولتی اشاره گردیده است؛ ثانیاً: در اصل بیست و پنجم سانسور و هر گونه تجسس ممنوع گردیده، و در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی نامی از آنها برده نشده و صرفاً به ذکر سه مورد: مکالمات تلفنی، مراسلات و مخابرات اکتفا گردیده است که این موارد از مصادیق حریم خصوصی معنوی به شمار می‌روند.

حکم مصرح در ماده ۵۸۲ تا زمانی جاری است که قانون تجویز موارد مندرج در این ماده را نداده باشد، اما هر گاه قانونی در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و اجازه استراق سمع، ضبط مکالمات تلفنی یا ... را بدهد ضمانت اجرای حاصل از ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد. بنابراین، صدور دستور ضبط یا افشای مکالمات تلفنی و مراسلات و مخابرات یا توقیف یا معدوم کردن آنها توسط قاضی دادگاه به قانونی نیاز دارد که مورد استناد قرار گیرد و تحقیقات قضایی و پلیسی نمی‌تواند بدون مجوز قانونی صورت پذیرد، زیرا نقض حریم خصوصی مادی یا معنوی افراد را موجب می‌شود و امنیت آنها را متزلزل یا سلب می‌نماید. این امر، علاوه بر سلب امنیت در زندگی فردی و اجتماعی اشخاص، محدود کردن آزادی‌های افراد را نیز سبب خواهد شد، زیرا چنانچه افراد در مکالمات یا تماس‌های تلفنی خود احساس امنیت ننمایند و هر لحظه تصور کنند که مکالمات و مراسلات آنها بازرسی و کنترل می‌شود نخواهند توانست آزادانه امور زندگی خصوصی خود را به جریان اندازند و از حقوق اجتماعی برخوردار شوند.

بخشنامه شماره ۸۳/۱/۲۰-۱/۸۳/۷۱۶ قوه قضائیه به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور نیز با این مقدمه آغاز می‌شود که:

«از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می‌باشد، توجه کلیه قضات شریف، ضابطین، بازجویان و ناظران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سراسر کشور را به نکات ذیل جلب می‌نمایم:

۱. کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

...

۸. بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

«...»

قوه قضائیه برای اجرای صحیح این بخشنامه هیأت نظارتی را معین نموده است و در دستور العمل ۸۳/۲/۱۵ که به بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی نظارت دارد، آمده است: «ماده ۱- برای نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی هیأت نظارت مرکزی موضوع بند ۱۵ قانون مرکب از اعضای شورای معاونان قوه قضائیه تشکیل می‌شود».

در ماده ۱۱ قانون اخیر نیز آمده است: «از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد».

- ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری^۱: این ماده تصریح دارد: تفتیش منازل اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد. هر چند اجرای تحقیقات

۱. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸: «ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر ←

به طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط دادگستری ارجاع شده است، لکن در این قسمت از ماده ۲۴ باید به چند نکته توجه شود:

اولاً: ماده ۲۴ در این قسمت صرفاً ناظر به تفتیش می‌باشد. لذا تفتیش منازل و اماکن مستلزم ورود بوده و تا زمانی که مقام قضایی اجازه تفتیش را صادر نماید نیازی به صدور اجازه ورود و تصریح به آن نمی‌باشد - مقدمه واجب، واجب است -

ثانیاً: در ماده ۲۴ به تفتیش منازل، اماکن و اشیا اشاره شده است. منزل عرفاً به مکان سکونت اطلاق می‌گردد که در مورد ورود به آن اصول ۲۲ قانون اساسی و ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی احکامی را بیان نموده‌اند. بنابراین، منظور از منازل در این ماده محل سکونت و آرامش افراد به صورت دسته جمعی و خانوادگی یا انفرادی می‌باشد. - اماکن: وسعت شمول کلمه مکان (جمع آن اماکن) چنان زیاد است که اغلب در تعابیر و تفاسیر حقوقی موجب بروز اشکال می‌شود. با توجه به اینکه کلمه اماکن در قانونگذاری مسبوق به سابقه می‌باشد نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و لاجرم باید نگاهی به مقررات مربوط به اماکن نیز نمود، اما ابتدا باید گفت که کلمه اماکن در متن ماده ۲۴ به طور مطلق بیان گردیده و فاقد قید و صفتی خاص است. بنابراین، اماکن اعم از عمومی و خصوصی را شامل می‌شود.

- اشیا: اشیا نیز مانند اماکن وسعت شمول فراوانی دارد. اشیا می‌توانند داخل یا خارج از منزل و اماکن دیگر باشند. پس آیا برای تفتیش اشیای داخل منزل می‌توان بدون اجازه مخصوص از قاضی وارد گردید؟ یا باید اشیا را در حد امکان خارج از منزل تفتیش نمود؟

اتومبیل شئیء و مصداق بارز ماده ۲۴ است و نمی‌توان خارج از چهارچوب حکم ماده ۲۴ به بازدید و تفتیش آن پرداخت و برای تفتیش آن اجازه مخصوص مقام قضایی لازم است و این رویه که در هر زمان و مکانی که مأمورین انتظامی به تفتیش اتومبیل‌های خصوصی یا عمومی اقدام می‌نمایند در صورتی که اجازه مخصوص مقام قضایی وجود نداشته باشد نقض قانون و بر خلاف حکم ماده ۲۴ آیین دادرسی در امور کیفری است.

- جرایم غیرمشهود: در ماده ۲۴ تصریح شده است که تفتیش منازل، اماکن و اشیا و جلب اشخاص در جرائم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد. با توجه به تصریح ماده ۲۴ می‌توان استنباط نمود چنانکه جرم مشهود باشد تفتیش منازل و اماکن و اشیا و جلب اشخاص به اجازه مخصوص مقام قضایی نیاز ندارد. جرم مشهود جرمی است که مرئی و در منظر مأمور کشف جرم یا جمعی از مردم واقع شود، اگر اثر جرم بلافاصله پس از وقوع دیده شود جرم در حکم مشهود است و همچنین اگر مجنی‌علیه بلافاصله پس از وقوع جرم کسی را به عنوان مجرم معرفی کند یا در زمان نزدیک به وقوع جرم، آثار بارز جرم در ید و تصرف متهم دیده شود یا تعلق آن آثار و اسباب به متهم محرز گردد یا متهم در زمان نزدیک به وقوع جرم قصد فرار داشته باشد یا در حال فرار (در زمان نزدیک به وقوع جرم) دستگیر شود. بنابراین، چنانچه جرم مشهود باشد منطقی است که مأمورین انتظامی در انتظار اخذ دستور مقام قضایی نمانند، زیرا این امر ممکن است موجب محو آثار جرم یا فرار متهم گردد. به همین دلیل، در مورد جرائم مشهود حریم خصوصی نیز به خطر افتاده و مأمور انتظامی به تعقیب متهم موظف است، اما

← دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیا و جلب اشخاص در جرائم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هرچند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد».

در مورد جرائم غیرمشهود که معمولاً پس از شکایت شاکی و تشکیل پرونده در مرجع قضایی یا انتظامی صورت می‌گیرد، تحقیقات باید با حفظ حرمت حریم خصوصی انجام شود و چنانچه ورود به حریم خصوصی لازم باشد می‌بایست دستور لازم از مقام قضایی اخذ گردد.

نقض حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران

همچنان که در اصول بیست و دوم و بیست و پنجم قانون اساسی نقض حریم خصوصی مادی و معنوی توسط شهروندان یا مأمورین دولتی ممنوع گردیده، مع‌الوصف در همان اصول فقط و فقط با وجود یک شرط، نقض حریم خصوصی مجاز دانسته شده، که آن شرط وجود قانون است. بنابراین، هر گاه قانونی وجود داشته باشد یا بعداً به تصویب مجلس قانون‌گذاری برسد که نقض حریم خصوصی افراد را مجاز بداند، مخالف قانون اساسی نبوده و بلکه مجوز خود را از قانون دریافت نموده است. اگر چه شایسته بود قانون اساسی در متن خود اصولاً تصویب قوانینی که با حریم خصوصی افراد منافات دارد، را اجازه نمی‌داد.

قانون آیین دادرسی در امور کیفری نیز در مواد ذیل نقض حریم خصوصی را در فصل سوم تحت عنوان تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم مجاز شناخته است که به برخی مواد مربوط اشاره می‌شود:

- ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸

ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته است: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیا در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل: ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد».^۱ بنابراین، درجهت کشف جرم و تحقیقات مقدماتی ممکن است مواردی پیش آید و ضرورت‌هایی ایجاد نماید که منازل مسکونی یا اماکن و اشیا مورد تفتیش و بازرسی قرار می‌گیرند ماده ۹۶ این موارد را مشخص نموده و مقام قضایی زمانی مجاز به دستور تفتیش منازل و اماکن و اشیا می‌باشد که اولاً: دلایلی برای این امر داشته باشد؛ ثانیاً: بر اساس تحقیقات پلیسی و قضایی ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد. لذا چنانچه این دو شرط فراهم نباشد موردی برای تفتیش و بازرسی منازل و اشیا و اماکن نیز وجود نخواهد داشت صرف وجود ظن قوی در ماموران پلیس نیز شرط کافی نمی‌باشد، زیرا آنها ضابط دادگستری و تحت امر مقام قضایی تحقیقات خود را انجام می‌دهند فلذا می‌بایست مقام قضایی نیز ظن قوی درخصوص مورد داشته باشد تا با دلایلی که جمع‌آوری نموده دستور تفتیش را صادر نماید.

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

- ماده ۵۵: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضائی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد».

- ماده ۱۳۷: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود».

- ماده ۱۴۱: «دستور مقام قضائی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آنها به صراحت مشخص شود. ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورهای مقام قضائی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کرده، آن را به امضاء یا اثر انگشت متصرف برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضائی اعلام کنند».

– ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸

در ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ قیدی دیگر نیز به تفتیش منازل و اماکن و اشیا وارد گردیده و آن مزاحمت تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص است. ماده ۹۷ قانون مذکور مقرر داشته است: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد».^۱ بدیهی است نباید مرجعی را غیر از مرجع قضایی برای تشخیص مهمتر بودن تفتیش، از حقوق اشخاص صالح دانست. این ماده درصدد آن است که تا جایی که امکان دارد حقوق اشخاص که در اصل بیست و دوم قانون اساسی به آن تصریح گردیده مورد تعرض قرار نگیرد به همین خاطر است که تراحم تفتیش و حقوق اشخاص را از نظر دور نداشته و آن را پیش بینی نموده است. وجود دلایل و ظن قوی توجه و توجیه کافی داشته باشد بدیهی است مقام قضایی در تشخیص الاهی فالاهم بودن تفتیش و حقوق اشخاص باید به ماده ۹۶ در خصوص وجود دلایل و ظن قوی توجه کافی داشته باشد، در غیر این صورت بیم نقض حریم خصوصی اشخاص خواهد رفت.

– ماده ۹۸ آئین دادرسی در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸

ماده ۹۸ آئین دادرسی در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته است: «تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می آید تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می شود».^۲ از آنجا که حریم خصوصی منازل و اماکن مستلزم مالکیت متصرفین آنها نیست و انجام تفتیش و بازرسی، پا گذاشتن به حریم ساکنین آنهاست نه مالکین، بنابراین حضور متصرف برای تفتیش ضروری می باشد زیرا حریم خصوصی او گشوده شده و از این امر امکان بروز زیان دور از ذهن نمی باشد. در تبصره ذیل ماده ۹۸ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است: «هر گاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد، قاضی می تواند با قید مراتب در صورتجلسه دستور بازکردن محل را بدهد» در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی اشاره گردید که ورود مامورین قضایی یا غیرقضایی و مستخدمین یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده می بایست برای ورود به منزل اشخاص اجازه و رضایت آنها را جلب نماید و گفتیم که ممکن است جلب رضایت یا اجازه صاحبان منزل امکان پذیر نباشد تبصره ماده ۹۸ همین فرض را پیش بینی نموده و حالتی را که صاحب حریم یا محل حضور نداشته باشد بیان نموده است وجود یا حضور صاحب محل برای اخذ اجازه و رضایت او و عمل به تکلیف ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی است و هر گاه وی حضور نداشته باشد فقط در یک صورت و آن هم فوریت تفتیش قاضی می تواند با قید مراتب در صورتجلسه دستور گشایش محل را صادر نماید. آنچه که تبصره ماده ۹۸ بر مبنای آن بازکردن محل را اجازه داده است فوریت تفتیش و باز کردن است و لاغیر و ضرورت یا اهمیت یا امثال اینها مجوزی برای باز کردن محل نبوده و مشمول تبصره ماده ۹۸ نمی باشد، اما آیا قاضی می تواند پاسخ این

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

ماده ۱۳۹: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تراحم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم تر باشد».

۲. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

ماده ۱۴۲: «تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکونای افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می آید».

تبصره - هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل به عمل می آید و مراتب فوریت در صورتجلس قید می شود».

استدلال را با استناد به ماده ۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری داده و اظهار نماید که تفتیش و بازرسی از حقوق اشخاص مهم تر بوده و دستور باز کردن محل را بدهد؟ باید گفت که ماده ۹۷ ناظر به تفتیش و بازرسی و تبصره ماده ۹۸ ناظر بر باز کردن محل است و هرکدام حکمی را بیان می نمایند اما باز کردن محل مقدمه تفتیش و بازرسی است و هرگاه تفتیش و بازرسی لازم آید بی گمان باز کردن نیز لازم خواهد بود بنابراین می توان پذیرفت که تبصره ماده ۹۸ حالتی اخص از ماده ۹۷ را بیان نموده است و به عبارتی رابطه منطقی ماده ۹۷ و تبصره ماده ۹۸ آئین دادرسی در امور کیفری عموم و خصوص مطلق می باشد.

- ماده ۹۹ قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸

ماده ۹۹ قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ مقرر می دارد: «اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی».^۱ در عمل این ماده قانونی بسیار نادیده گرفته می شود و معمولاً این مأمورین تفتیش هستند که بنا بر سلیقه خود از ورود افراد جلوگیری می نمایند در حالیکه این متصرف قانونی است که برابر ماده ۹۹ حق دارد ورود افراد دیگر را در موقع تفتیش اجازه دهد یا اجازه ندهد زیرا این حریم خصوصی اوست که مورد تعرض قانونی قرار گرفته و هنوز بر حریم خود حق دارد. بنابر این متصرف قانونی حق دارد که ورود افرادی را به حریم خود اجازه ندهد. ماده ۹۹ در جایی که عنوان نموده ولی سایر اشخاص نمی توانند داخل شوند در واقع به دفاع و حراست از حریم خصوصی اشخاص در شرایط استثنایی و آسیب پذیر برخاسته است و بدینوسیله خواسته تا از حریم اشخاص در مقابل افراد دیگر حمایت نماید به همین خاطر ماده ۹۹ اجازه حضور افراد دیگر را در تفتیش و بازرسی در اختیار متصرف قانونی قرار داده است نه در اختیار مأمورینی که به تفتیش و بازرسی مشغول هستند و اما ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای تسلط در امر تحقیقات و دقت در تفتیش و بازرسی به قاضی اجازه داده است در صورت لزوم ورود و خروج به محل بازرسی را ممنوع نماید و حتی برای اجرای دستور از نیروی انتظامی استفاده نماید.^۲ بدیهی است در این حالت ماده ۹۹ قابلیت استناد نداشته و متصرف قانونی نمی تواند نسبت به اجازه یا عدم اجازه ورود افراد اقدامی نماید. نکته قابل توجه آنکه ممنوعیت ورود و خروج از محل مورد تفتیش اختصاصاً در صلاحیت قاضی بوده و فقط او می تواند به برقراری ممنوعیت ورود و خروج به محل اقدام نماید و نیروهای مفتش و بازرسین راساً چنین حقی نداشته چرا که با حقوق صاحب حریم و متصرف قانونی تعارض پیدا خواهد نمود و حل این تعارض و تراحم در ماده ۹۷ پیش بینی گردیده است.

- ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸

ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ چنین احصاء نموده است: «تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می آید و هنگام شب در صورتی انجام می گیرد که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را قاضی باید در

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

ماده ۱۴۳: «حضور اشخاصی که در امر کیفری دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است؛ اما چنانچه بازپرس حضور اشخاصی را برای تحقیق ضروری بداند، به دستور وی در محل حاضر می شوند».

۲. در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

ماده ۱۴۴: «در صورت ضرورت، بازپرس می تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضائی و در حکم ضابط دادگستری است».

صورتمجلسه قید نماید^۱». روشن است که این ماده حافظ آسایش و آرامش خانواده و احترام به حریم منازل بعنوان محل آرامش شبانهگاهی افراد و خانواده می باشد. حکم این ماده اختصاصاً و صرفاً درمورد منازل بوده و اماکن و اشیا را شامل نمی شود. پیداست که تفتیش اماکن و اشیا را می توان در شب نیز همانند روز به انجام رساند و خصوصیت و حرمت خاصی که اماکن و اشیا در شب برای تفتیش داشته باشد مورد نظر ماده ۱۰۰ نبوده است.

– ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸

مطابق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸: «در صورتی که متصرفین قانونی، اماکن یا متصدیان آنها دستور قاضی را در باز کردن محلها و اشیای بسته اجرا ننمایند، قاضی می تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می شود احتراز نماید»^۲.

در این ماده عبارت «متصدیان آنها» تازگی دارد. متصدی اماکن شخصی است که نه مالک و نه متصرف قانونی است بلکه تصدی و یا نگهداری یا نگهداری از اماکن را به عهده دارد بنابراین متصدی دارای هیچگونه حق حریم در مکان نیست و اساساً حریم اماکن نیز حریم خصوص او نمی باشد، بنابراین متصدی از هیچگونه حمایت قانونی با استناد به حفاظت از حریم خصوصی برخوردار نمی باشد.

نکته ای دیگر که در این ماده به چشم می خورد آن است که اجرا نکردن دستور قاضی برای باز کردن اماکن پیش بینی شده و ماده ۱۰۲ مشمول منازل یا حریم مسکونی به علت عدم تصریح نمی گردد. بنابراین در صورتی که متصرف قانونی منزل مسکونی دستور قاضی را در باز کردن محل و اشیای بسته اجرا ننماید آیا قاضی همچنان با عنایت به حکم ماده ۱۰۲ می تواند دستور باز کردن آنها را بدهد؟ به نظر می رسد چون بر اساس اصل بیست و دوم قانون اساسی مسکن اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند و قانون نیز در ماده ۱۰۲ آن را تجویز ننموده است بنابر این مسکن از شمول حکم ماده ۱۰۲ خارج و قاضی در صورت دستور باز کردن محلها و اشیای بسته در مورد مسکن هر گاه با مخالفت صاحب حریم روبرو شود اجازه باز کردن آنها را ندارد. همچنانکه در ماده ۵۸۰ قانون مجازات نیز اجازه و رضایت صاحب حریم منزل مورد تاکید قرار گرفته است، استناد به مواد ۹۶ و ۹۷ آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ هم تفسیر موسعی است که در امور کیفری ممنوع می باشد و نمی توان به بهانه اهمیت موضوع و اولویت تحقیقات به باز کردن محل ها و اشیا تسری داده شود. در مواد ۹۶ و ۹۷ اولویت و اهمیت و ظن قوی در مواد مذکور ناظر به تفتیش و بازرسی در مورد اماکن و محل های بسته نمی باشد بلکه صرفاً برای ورود به محلها و اماکن و منازل می باشند. ماده ۱۰۲ در قسمت آخر خود قاضی را مکلف نموده

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:
ماده ۱۴۰: «تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می آید و در صورتی هنگام شب انجام می شود که ضرورت اقتضاء کند. بازپرس دلایل ضرورت را احراز و در صورتمجلس قید می کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می یابد.
تبصره - روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است».

۲. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:
ماده ۱۴۵: «در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیای مورد بازرسی، از بازکردن محلها و اشیای بسته خودداری کند، بازپرس می تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می گردد، خودداری شود.
تبصره (اصلاحی ۱۳۹۴، ۰۳، ۲۴) - در صورتی که در اجرای این ماده، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، همچنین مواردی که امتناع کننده شخص مجرم نباشد حتی اگر موضوع به صدور قرار جلب به دادرسی یا محکومیت متهم منجر شود، دولت مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می نماید».

که حتی‌المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارات می شود احتراز نماید بنابراین تحقیقات قاضی در صورت ضرورت باز نمودن اشیا و اماکن بسته نباید موجب ایراد خسارت شود و اگر قاضی تشخیص دهد که خسارت ناگزیر است باید از دستور باز کردن اشیا اماکن بسته خودداری نماید. ملاحظه می شود که قانون آئین دادرسی کیفری در اغلب موارد پیام واقعی اصل بیست و دوم قانون اساسی را پاس داشته و سعی در حفاظت از حریم خصوصی نموده است.

– مواد ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶ آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸

مواد ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶ آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ نیز با کسب اجازه از اصل بیست و پنجم قانون اساسی تصویب گردیده‌اند. لذا این اصل ناظر به حریم خصوصی معنوی اشخاص می باشد و مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ نیز در همین مورد حدود و قیود و نقض حریم خصوصی معنوی را بیان داشته‌اند.

با ملاحظه مواد مذکور و مقایسه آن با مواد همان قانون که ناظر به حریم خصوصی مادی می باشند (مواد ۹۶ الی ۱۰۲) معلوم می شود سختگیری قانون در حفظ حریم خصوص مادی بیشتر از حریم خصوصی معنوی است نتیجه اینکه حریم خصوصی معنوی بیشتر در معرض شکستن و تجاوز قرار دارد از مجموع مواد ۱۰۳ الی ۱۰۶ آئین دادرسی در امور کیفری^۱ نتایج ذیل حاصل می شود:

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

– ماده ۱۴۶: «از اوراق، نوشته ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و محتوای غیرمرتبط آنها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می شود».

– ماده ۱۴۷: «آلات و ادوات جرم، از قبیل اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه تقلبی و تمامی اشیائی که حین بازرسی به دست می آید و مرتبط با کشف جرم یا اقرار متهم باشد توقیف می شود و هر یک در صورتمجلس توصیف و شماره گذاری می گردد. آنگاه در لفاف یا مکان مناسب نگهداری و رسیدی مشتمل بر ذکر مشخصات آن اشیاء به صاحب یا متصرف آنها داده می شود. مال توقیف شده با توجه به وضعیت آن در محل مناسبی که از طرف دادگستری برای این منظور تعیین می شود، نگهداری می گردد».

– ماده ۱۵۰: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تقویض به سایرین نمی باشد».

تبصره ۱- شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می شود.

تبصره ۲- کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است».

– ماده ۱۵۱ (اصلاحی ۱۳۹۴، ۰۳، ۲۴): «بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رئیس حوزه قضائی کنترل کند».

– ماده ۱۵۲: «تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی که عمل می آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط، این امر را به اطلاع بازپرس می رساند و از وی کسب تکلیف می کند. پس از وصول، بازپرس آنها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورتمجلس قید می کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می نماید یا در محل مناسب نگهداری می کند. استتکاف متهم از امضاء یا عدم حضور متهم یا وکیل او در صورتمجلس قید می شود. چنانچه اشیای مزبور حائز اهمیت نباشد و نگهداری آنها ضرورت نداشته باشد، با اخذ رسید به مرجع ارسال کننده یا به صاحبش مسترد می شود. تبصره -موارد ضرورت بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان، به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می گردد و پس از تأیید، حسب مورد ارسال یا به محکوم تسلیم می شود. در صورت عدم تأیید، مکاتبات و مراسلات ضبط و مراتب به اطلاع دادگاه می‌رسد».

۱. اوراق و نوشته هایی که در امر تحقیقات قضایی ارتباطی به جرم ندارد از افشا مصون بوده و قاضی مکلف است ضمن رعایت احتیاط در مورد مدارک مذکور مانع افشای آنها نزد هر شخص و هر مقامی حتی ضابطین دادگستری گردد.

۲. تفتیش و بازرسی مکاتبات و مراسلات پستی و مخابراتی و صوتی و تصویری توسط قاضی صورت خواهد گرفت و شایسته نیست تفتیش و بازرسی را به مراجع یا اشخاص دیگری واگذار نماید زیرا واگذاری این امر به دیگری نقض حریم خصوصی اشخاص و افشای اسرار آنها می باشد. فقط قاضی که تحقیقات قضایی را هدایت می نماید و اقدام به صدور قرار یا رای کیفری می کند، حق دارد از اسرار افراد که در پرونده آن هم بر حسب ضرورت حضور دارند اطلاع داشته باشد.

۳. تفتیش و بازرسی مراسلات و مخابرات و... متهم باید در حضور وی صورت گیرد قاضی حق ندارد درغیاب وی به تفتیش و بازرسی آنها بپردازد. این حق مسلم متهم می باشد که زمانی که حریم خصوصی او برای ورود قانون و قاضی گشوده می شود خود نیز حاضر و ناظر باشد. درحریم خصوصی معنوی بسی امور که معانی و مفاهیم غیر از آنچه در ظاهر نشان می دهند دارند و این است که حضور صاحب حریم را ایجاب و توجیه می نماید و خوشبختانه ماده ۱۰۴ آئین دادرسی کیفری به آن عنایت داشته است.

۴. تبصره ماده ۱۰۴ کنترل تلفن افراد را از متن ماده جدا نموده و بطور اختصاصی درمورد آن حکم داده است بدین شرح که «کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده می شود ممنوع است».

اولاً: باید پرونده یا اتهام یا متهم یا گزارش به امنیت کشور ارتباط پیدا نماید تا بعد از آن اقدام به کنترل تلفن گردد. بنابر این، نمی توان ابتدا به ساکن به کنترل تلفن اقدام نمود؛

ثانیاً: امنیت کشور باید تعریف گردد که در قانون چنین تعریفی نیامده و معلوم نیست چه موضوعی می تواند عنوان امنیت کشور را داشته باشد صرفاً باید به گزارش و تعبیر مقامات امنیتی اکتفا شود زیرا مرجع دیگری ممکن است توان تشخیص موضوعات امنیتی کشور را نداشته باشد. ازطرف دیگر تبصره ماده ۱۰۴ به امنیت کشور اشاره نموده است و متعرض امنیت یک شهر یا استان نشده است. بنابراین حتی اگر پای امنیت شهر نیز در میان باشد نمی توان اقدام به کنترل تلفن افراد نمود و قاضی مجاز به صدور دستور کنترل نخواهد بود. ثالثاً: کنترل تلفن افراد در مورد امنیت کشور به تشخیص قانون مجاز است، ولی همین امر در مواردی که برای احقاق حقوق اشخاص می باشد اجازه آن نه به تشخیص قانون بلکه به تشخیص قاضی واگذار شده است. آنهم به شرطی که برای احقاق حقوق اشخاص باشد نه برای تحقیقات معموله در پرونده کیفری. عبارت «برای احقاق حقوق اشخاص ضروری باشد» مبهم و دارای دامنه ای فراوان و شمولی بسیار وسیع می باشد و به سادگی قاضی می تواند به استناد آن دستور کنترل تلفن افراد را صادر نماید. این وسعت شمول موجب نقض حریم خصوصی افراد گردیده و امنیت ارتباطات را به خطر خواهد انداخت.

- ماده ۱۵۳: «مقامات و مأموران وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای و شرکتهای وابسته به آنها، سازمان های نظامی و انتظامی، بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری، دفاتر اسناد رسمی و دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضائی در دسترس آنان قرار دهند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رئیس قوه قضائیه باشد. متخلف از این ماده، در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه ماه تا یک سال محکوم می شود».

همچنین نقض حریم خصوصی در فضای مجازی، بروز اطلاعات شخصی در رسانه های عمومی، نقض حریم خصوصی در مصاحبه های استخدامی، ذکر اسامی متهمان در رسانه های عمومی و... از جمله مواردی است که در اشکال مختلف مشاهده شده است و نظام حقوقی ایران حمایت لازم جهت جلوگیری از نقض حریم خصوصی اعمال ننموده است.

نتیجه

وضع مقررات خاص در مورد حریم خصوصی در قوانین اساسی و عادی بسیاری از کشورها و در اسناد و کنوانسیون های منطقه ای و بین المللی حکایت از اهمیت ویژه موضوع در سطح ملی و فراملی دارد. لذا شایسته است که در راستای حمایت از حریم خصوصی اشخاص، اقداماتی در خور اهمیت موضوع به عمل آید؛ در حالی که حمایت دولت ها از این حق همه جانبه نبوده و در اکثر مواقع نادیده گرفته می شود. چراکه در بسیاری از مواقع دولت ها منافع خود را بر جنبه حمایتی از این حق ترجیح می دهند و به عنوان حمایت از منافع جمعی و عمومی، حق حریم خصوصی افراد را نادیده می گیرند و از آنجا که عموماً دولت ها مرجع نظارتی بالاتر از خود را برای عدم رعایت این حق پیش بینی نکرده اند، همین امر دست دولت ها را در نقض حریم خصوصی باز می گذارد.

یکی از مهمترین جنبه های حفظ و صیانت از حریم خصوصی جنبه تقنینی آن است. اگرچه بعد اجرایی و قضایی نیز نقش تاثیرگذاری در این میان دارد. در قانون اساسی اصل خاصی که از حریم خصوصی تحت آن عنوان حمایت کرده باشد وجود ندارد، ولی از راه تفسیر قانون اساسی میتوان حریم خصوصی را مورد حمایت قرار داد. در قانون اساسی به حریم خصوصی جسمانی و حریم محل کار اشاره خاصی نشده و حمایت از حریم خصوصی در اصولی از قانون اساسی تابع قیدهایی شده است که در میان آنها، حکم قانون بیشتر از سایر استثنایها مورد توجه است، اما به اوصاف قوانینی که میتوانند قیود مذکور را تحمیل کنند، اشاره ای نشده است.

آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی از جمله موثرترین وسایل برای عملی کردن حریم خصوصی است، چرا که در این قوانین بیش از سایر قوانین، قدرت ماموران دولتی در تعرض به حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی محدود می شود. برای دفاع از حریم خصوصی باید تلاش کرد تا حمایت کیفری به موارد کاملاً ضروری محدود شود. به عبارت دیگر دفاع از حریم خصوصی نباید ما را به سوی جرم انگاری های غیرضروری سوق دهد.

در مقام جرم انگاری نمی توان از عنوان کلی نقض حریم خصوصی سخن گفت و موازین جرم انگاری ایجاب می کند حکم هر مورد جداگانه بررسی شود. ابهام در مفهوم پاره ای از مصادیق حریم خصوصی ایجاب می کند در مقابل جرم انگاری تا مرز امکان از هرگونه ابهام و اجمال پرهیز شود.

امروزه با توسعه کاربرد فن آوری اطلاعات و ارتباطات در جوامع بشری، تدوین قوانین مناسب برای حمایت حقوقی و قضایی از خلوت و حریم خصوصی داده پیام های شخصی افراد از اهمیت شایانی برخوردار است؛ زیرا یکی از راه های مهم ورود خسارت معنوی به حیثیت و شرافت انسان ها از طریق این فن آوری می باشد. قانونگذار در ماده ۸ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ مقرر می دارد:

"بازرسی ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری و کشف آلات و ادوات جرم، براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم

نداشته و یا به متهم تعلق ندارند و افشای مضمون نامه‌ها، نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد."

قانون‌گذار برای حسن اجرای ماده مذکور، اصول ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی و مواد ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ (با اصلاحات بعدی آن در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴)، ضمانت اجرای کیفری موضوع مواد ۵۸۰، ۵۸۲، ۶۴۸ و ۶۹۱ قانون مجازات را قرار داده است. همچنین با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱، ۲ و ۴ قانون مسئولیت مدنی، صرف‌نظر از اختلاف دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در شیوه جبران خسارت معنوی که منطبق با اصول کلی حقوقی و قواعد مسلم فقهی همچون قاعده "لاضرر و لاضرار" است، با پذیرش مسئولیت جبران زیان‌های معنوی، ضمانت اجرایی مدنی نیز برای تدارک خسارت‌های مدنی ناشی از جرایم علیه حقوق و سرمایه‌های معنوی اشخاص وجود دارد.

با توجه به بررسی همه جانبه قوانین موضوعه در ایران به نظر می‌رسد علیرغم جایگاه این حق در اسناد و موازین بین‌المللی، به طور کامل در ایران مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته و تضامین موجود در قوانین موضوعه جامع نبوده و تمامی ابعاد و مظاهر حریم خصوصی مورد حمایت قانونگذار قرار نگرفته است. بنابراین علیرغم برخی اقدامات حاکمیت به منظور صیانت از حریم خصوصی، همچنان تدوین قانونی خاص که صیانت از همه ابعاد حریم خصوصی را به نحو مطلوب در برگیرد ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر اقدامات پیشگیرانه، پیش بینی ضمانت اجرای مؤثر و کارآمد و برخورد قاطع و مقتضی با متخلفان می‌تواند موجبات آرامش خیال و احساس امنیت شهروندان را فراهم آورد.

بدین ترتیب قانونگذار و مجریان امر در رابطه با حمایت از حریم خصوصی اشخاص، باید به دو نکته اساسی توجه ویژه داشته باشند؛ نخست پیشگیری از نقض حریم خصوصی شهروندان توسط اشخاص عادی و مامورین و مقامات دولتی و دوم مقابله جدی و قاطع با معترضان به حریم خصوصی. در بعد پیشگیری، احصاء مصادیق حریم خصوصی و اطلاع رسانی مؤثر و فرهنگ سازی در این رابطه و نیز به کارگیری تدابیر مقتضی برای جلوگیری از نقض آشکار و پنهان حریم اشخاص، ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، تدوین قانون ویژه حمایت از حریم خصوصی و پیش بینی ضمانت اجرای متناسب و بازدارنده پیشنهاد می‌گردد.

در عصر تحولات روز افزون اطلاعات و ارتباطات، در جامعه اطلاعاتی، توجه به حریم خصوصی مستلزم سازوکارهای قانونی ویژه می‌باشد. مشکل عدم توجه به قوانین مربوط به حریم خصوصی علی‌رغم وجود آن، در تمام کشورها و حتی کشورهایی که قبل از ما به دنیای مدرن صنعتی قدم گذاشته‌اند، به وضوح مشهود می‌باشد. محتوای اکثر قریب به اتفاق اطلاعات منتشره در فضای مجازی منطبق بر واقعیت نبوده و تهمت، هتک حرمت افراد و نظایر این‌ها به منظور بهره برداری‌های سیاسی و بعضاً سنجش عکس‌العمل‌ها در قبال رویدادها و در واقع، نوعی افکارسنجی محسوب می‌گردد.

همانگونه که در این مقاله مطرح گردید هدف جلب توجه خاص سیاست‌گذاران و واضعان قوانین به اقتضائات جامعه، حول محور صیانت از حق حریم خصوصی است که با وضع قوانین مناسب، زمینه های لازم را برای پاسداری از جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای بر اساس باور و یقین در مقابله با دروغ و تجاوز به حریم خصوصی افراد فراهم نمایند.

پیشنهادهای

به منظور رفع خلأهای قانونی، توجه به محورهای مشکلات فراروی تدوین قانون حفظ حریم خصوصی ضروری است، ازجمله:

- مخدوش بودن مرز بین حریم خصوصی و حریم عمومی

مهم‌ترین مشکل تدوین قوانین خاص برای حفظ حریم خصوصی مخدوش و مبهم بودن مرز میان حریم خصوصی و حریم عمومی افراد است. بسیاری از مسائلی که تحت عنوان "حریم خصوصی" مطرح می‌شوند؛ می‌تواند در زندگی عمومی مردم و در آگاهی و مشارکت آنها در رویدادهای اجتماعی نقش بسیار مهمی داشته باشد. همچنین، بسیاری از مسائل را می‌توان در هر دو طبقه جای داد. مثلاً عضویت یک کاندیدای نمایندگی مجلس در یک باشگاه خاص، اگر چه موضوعی کاملاً خصوصی است ولی می‌تواند روی رأی عده زیادی از مردم تأثیر بگذارد

- مشکل بودن تعریف مفاهیم

مفاهیمی مانند هتک حرمت، آبروریزی و هتک حیثیت افراد، از مفاهیمی هستند که ارائه تعریف جامع و مانعی برای آنها کار دشواری است. این مفاهیم ارتباط تنگاتنگی با عوامل ذهنی دارند و هر کس آنها را به گونه‌ای تفسیر و تعبیر می‌کند. توجه به اعتبار منبع، عامل بودن به اصول اخلاق حرفه‌ای، نادیده گرفتن اغراض شخصی و نفسانی و... می‌تواند تا حدی از شدت این مشکل بکاهد.

- افزایش منابع خبری

در عصر توسعه روز افزون اطلاعات و در جامعه اطلاعاتی و با ورود تکنولوژی‌های جدید در فرآیند پخش اخبار، افراد به طور بالقوه این توان را یافته‌اند که اطلاعات و یا حتی دیدگاه‌های شخصی خود را نسبت به سایر افراد در اندک مدتی در سطح جهانی منتشر سازند. در چنین حال و هوایی عدم کنترل منابع خبری بی‌مسئولیت و بی‌نام و نشان پیامدهای خاص خود را دارد و مسائل اخلاقی عدیده‌ای را مطرح می‌سازد.

پیشنهادهای مشروحه ذیل به منظور رفع خلأهای قانونی حمایت از حریم خصوصی مطرح می‌گردد:

- الف: با توجه به لزوم تدوین قانون خاص برای رعایت حق حریم خصوصی، این قانون باید:

۱. نه تنها به جنبه‌های مختلف حریم خصوصی شامل حریم خصوصی اطلاعاتی، مکانی، جسمانی و ارتباطاتی، توجه کامل داشته باشد، بلکه باید حریم جدیدی را هم به نام حریم حیثیتی تعریف کند. البته به تعبیری می‌توان حریم حیثیتی را ذیل مفهوم حریم اطلاعات هم در نظر گرفت.

۲. شفاف‌سازی حد ورود دست اندرکاران حکومت به حریم خصوصی و عقیدتی افراد در آزمون‌های استخدامی.

۳. توجه به حریم جسمانی افراد و جلوگیری از تعرض به آن به هر شکل و به هر عنوان.

۴. وارد کردن موارد جدیدی به عرصه این حق، برای مثال، حق برخورداری از آرامش و آسایش روانی در حریم زندگی شخصی و حق مصون بودن از صداها و مزاحمت‌های فضای عمومی.

۵. بررسی بیشتر اشکال مختلف هوش مصنوعی در دنیای دیجیتال و تدوین قانون جامع به منظور ممانعت از نقض حریم خصوصی اشخاص در عصر تکنولوژی

- ب: برای عدم رعایت حق حریم خصوصی، مجازات‌های مشخصی در نظر گرفته شود. در غیر این صورت، نمی‌توان به رعایت و حفظ این حق چندان امیدوار بود. اگر چه برای موارد هتک حرمت و آبروی افراد، هیچ مجازاتی جبران کننده نخواهد بود.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش به‌طور مشترک توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

فهرست منابع

- انصاری، باقر (۱۳۸۶). حقوق حریم خصوصی. تهران: سمت؛
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). آزادی اطلاعات. تهران: دادگستر؛
- آماده، مهدی (۱۳۹۲). حمایت از حریم خصوصی. تهران: دادگستر؛
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. چاپ دوم دوره جدید. تهران: دانشگاه تهران؛
- سبک‌بال، کامران و خادمی مجومرد، علی (۱۳۹۰). ارزیابی شاخصه اقتدار و حاکمیت دولت با نگاهی به دیدگاه امام خمینی «ره» در رابطه با دولت. نشریه حقوق اساسی. ۸ (۱۵): ۷۳-۱۰۴؛
- شیرزاد نظری، زهرا (۱۳۸۹). سوء استفاده از قدرت و تحدید آزادی‌های مدنی افراد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق؛
- صناعی پور، محمود (۱۳۷۸). سنجش کرامت انسان. تهران: اسرار دانش؛
- عمید، حسن (۱۳۸۹). لغت‌نامه، چاپ اول، تهران: سکه؛
- قهرمانی افشار، نیوشا (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی حریم خصوصی در حقوق کیفری ایران و انگلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مبانی حقوق عمومی. تهران: دادگستر؛
- مصطفی‌زاده، فهیم و موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوق عرفی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱ (۲) ISC: ۴۵-۶۸؛
- موالی‌زاده، سیدباسم (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی حق حریم خصوصی در اسناد و رویه‌های بین‌المللی و نظام حقوقی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدجواد جاوید، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق؛
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۵). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. حاکمیت و نهادهای سیاسی. چاپ دوازدهم، تهران: میزان؛
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ دوم، تهران: میزان؛

- هوسمن، کارل (۱۳۷۵). «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها»، مترجم داود حیدری. فصلنامه رسانه، ۷ (۳)، ۲۷: ISC : ۴۲-۵۱.

قوانین و مقررات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۵/۲/۴
- قانون اساسی مشروطه، مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۸
- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸
- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی شهروندی ۱۳۸۳
- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و اصلاحی ۱۳۹۲
- قانون تشکیل شرکت پست، مصوب ۱۳۶۶
- لایحه حمایت از حریم خصوصی ۱۳۸۴